

تجربه داستان نویسی در شب تجربه

رسانا شیرشکار
فرونش صمیمی

(گزارش تجلیل از محمد محمد علی در نشر ثالث)

پنجشنبه ۱۷ مرداد ۱۳۸۷

۴۱۱

در دومین شب از شب‌های تجربه - نشر ثالث - محمد محمد علی - داستان‌نویس - میهمان این مراسم بود.

در ابتدای جلسه محمد حسینی با معرفی محمد محمد علی چنین آغاز کرد: محمد محمد علی در سال ۱۳۲۷ در تهران و در خانواده‌ای پرجمعیت متولد شد. تشویق‌های مادر و دیوان حافظی که همیشه می‌خواند و معلمانی چون علی اکبر اکبری و محمود سنایی (شهر آشوب ترانه‌سرا در رادیو ایران)، او را به کتاب و نویسندگی علاقه‌مند کرد. کسب رتبه اول منطقه در مسابقه داستان‌نویسی انجمن ایران - آمریکا در سن ۱۵ سالگی، تهیه و تنظیم سالنامه مروی در سال‌های دبیرستان، دریافت جایزه از وزیر وقت آموزش و پرورش نقطه عطف‌هایی در جهت خودباوری‌های محمد علی جوان تار سیدن به جایگاه یکی از برجسته‌ترین نویسندگان حال حاضر ایران بود. بزرگترین خصوصیت نوشته‌های محمد علی، انعکاس شخصیت‌هایی است که او برمی‌گزیند، او شگردهای بسیار به کار می‌برد تا شخصیت‌های ملموس بسازد، وضعیتی پدید می‌آورد که مخاطب را وامی‌دارد تا به جزییات داستان توجه کند و همراه با شخصیت‌های داستان زندگی را به نظاره بنشیند.

محمد علی در داستان‌هایش نشان می‌دهد که انسان‌ها - به ویژه در فضا‌های شهری -

به سادگی درگیر ماجراهایی ناخواسته می‌شوند و آنگاه نیمی خود و نیمی تعیین شده شرایط، رفتار می‌کنند، مسخ می‌شوند و چون کابوسی خود و هستی خود را در تزلزل می‌یابند. تکنیک در آثار محمدعلی در لایه‌های زیرین داستان جوانه دارد. نویسنده به خواننده مجال می‌دهد که با ماجرا همراه شود، از متنی که می‌خواند لذت برد و ژرف‌تر و عمیق‌تر بیندیشد.

نخستین مجموعه داستان محمدعلی در سال ۵۴ همزمان با استخدام نویسنده در سازمان بازنشستگی منتشر می‌شود. آشنایی با زندگی کارمندان و روشنفکران در زندگی او مشهود است.

دومین مجموعه داستان محمدعلی از ما بهتران است؛ مجموعه‌ای که سردرگمی همه مردم را در فضایی پر رمز و راز به تصویر می‌کشد. محمدعلی در سال ۵۶ به عضویت کانون نویسندگان درمی‌آید و برای ۱۷ سال مسئولیت امور مالی را بر عهده می‌گیرد. سردبیری فصلنامه برج در سال‌های ۵۹ و ۶۱، انتشار ویژه‌نامه ادبی و هنری به نام مس، همکاری مستمر با مجله‌های آدینه، کارنامه از جمله فعالیت‌های مطبوعاتی محمدعلی است. وی در جلسات ادبی سال‌های اخیر حضور فعال داشته است. از جمله جلسات داستان‌نویسان پنج‌شنبه با حضور هوشنگ گلشیری و دیگران و جلسات شعرخوانی سه‌شنبه با حضور جواد مجابی و دیگران از موفق‌ترین این جلسات است. مجموعه داستان از ما بهتران و دوران نقش پنهان و باورهای خیس مرده از جمله آثار این نویسنده است.

۴۱۲

او در ادامه افزود: شهرت و محبوبیت محمدعلی دلایل متعددی از جمله کتاب‌های او و دانش و منش و رفتار انسانی و حمایت ایشان از نویسندگان جوان دارد. سپس محمد محمدعلی صحبت خود را این چنین بیان کرد که: من اولین جلسه این مراسم، که به همت محمد حسینی برگزار شده و دعوت از درویشیان بود را به خوبی به یاد دارم؛ درویشیان برای فرهنگ و ادب ایران زحمت فراوان کشیده است و امیدوارم امشب نیز مثل آن جلسه اول شب خوبی برای همه باشد. همین ادبیات شفاهی و خاطره‌ها از دوران گذشته است که در ذهن همه ما می‌ماند. ظاهراً در بیرون از اینجا و خارج از کشور روی بعضی نکات ریز زندگی هنرمندان دقت بیشتری دارند و وقت بیشتری می‌گذارند و برای این بخش از ادبیات و ادبیات شفاهی اهمیت زیادی قائل هستند و این کار خیلی پسندیده است و درست این است که کشور ما نیز راه و روش‌های پسندیده را مد نظر قرار داده و ناشرانی تشویق به تدوین ادبیات شفاهی شوند. در گذشته

در کشور ما آن نگاه (سوء تفاهم نشود) حزبی به ادبیات و آن تلقی غلیظ فراوانی که از تعهد اجتماعی داشتیم نمی گذاشت این قسمت از کار نمود پیدا کند؛ یعنی ما به خاطرات هنرمندان، نقاش‌ها، نویسندگان، شاعران و کارگردان‌ها اهمیت نمی دادیم در حالی که بسیار مهم است. اینها در واقع بعد می بخشد و پرسپکتیو آدمها را کامل می کند و ما متوجه می شویم که چرا آن آدم - در آن مقطع زمانی، آن تصمیم را گرفت. چطور شد که در یک خانواده‌ای نیما، نیما شده؛ هدایت، هدایت شده و یا شاملو، شاملو شده است؟ چه اتفاقاتی دست به هم داده و ما یک چنین بزرگانی داریم؟

وی در ادامه صحبت هایش به کتاب هایش اشاره کرد و گفت: اکنون کتاب از ما به‌تران برای چاپ هفتم می رود در حالی که امسال، درست ۳۰ سال از چاپ اول آن می گذرد و علی دهباشی که در آن زمان عضو انتشارات رواق بود شاهد چاپ آن بوده است. کتاب دیگر قصه ته‌مین است؛ قصه ته‌مین در نشر افاق دو چاپ خورد و برای بار سوم نیاز دیدم که با یک ویراستاری به بازار عرضه کنم. قصه ته‌مین خودش یک معضل دیگری بود که پس از نوشتن، من تعجیل در چاپ کتاب کردم و یک بخش از کتاب ماند و ناگزیر شدم به‌رغم دو چاپ با ناشر قبلی توافق کنم و روی آن کار کنم و مجدداً چاپ شود. البته در مورد رمان کمتر اتفاق می افتد ولی من این کار را کردم و البته اعتقاد این است که تا خودم هستم و صاحب اختیارش هستم می توانم در آن تغییر دهم و این کار را می کنم. کتاب دیگر که مشغول آن هستم، کتاب شاملویی که من می شناختم است. من گفتگویی در سال ۶۵ - ۶۶ با احمد شاملو، محمود دولت‌آبادی و اخوان ثالث انجام دادم، آن دو گفتگو سرنوشت دیگری پیدا کردند و شاملو در واقع پای خودش و زندگی خودش را به امروز من هم کشید و توانستم از این گفتگو صرف نظر کنم؛ حال به دلیل خود شخصیت شاملو و یا به دلیل میزان علاقه مندی من به ایشان و به هزار و یک دلیل دیگر. من دو سه مقاله نوشتم و در سالمرگ او چاپ کردم. آن مصاحبه با شاملو در زمان خودش خیلی سروصدا کرد، از آن جمله «من اینجایی هستم، چراغم در این خانه می سوزد» ابعاد جهانی پیدا کرد و از آن موقع باعث بحث و گفتگوهای زیادی در داخل و خارج از کشور شد. مسعود خیام داستان‌نویس در کتابش نوشته بود که محمدعلی با این گفتگو زندگی شاملو را از این رو به آن رو کرد. یعنی در واقع این حرفش هم وجه مثبت دارد و هم اندکی تا قسمتی وجه منفی که شاملو می خواسته خارج از کشور برود اما محمدعلی نگذاشته برود. یعنی او شاملو را اسیر این جمله کرده در حالی که کسانی که با شاملو آشنا هستند می دانند که چنین چیزی نمی تواند از مشغله‌های شاملو باشد.

در ادامه مراسم علیرضا سیف‌الدینی در مورد آثار محمدعلی گفت: محمدعلی از داستان کوتاه شروع کرد، بعد از مجموعه‌های دره هندآباد گرگ داره، از ما بهتران به بازنشستگی رسید. البته این ذهنیت است که نویسنده‌ها حتماً باید برای نوشتن از داستان کوتاه شروع کنند. بیشتر نویسنده‌ها از داستان کوتاه شروع کردند. البته و به ندرت در بین آنها نویسنده‌هایی هستند که داستان کوتاه به صورت مجموعه نداشتند.

چیزی که تقریباً در همه آثار محمدعلی است توجه به قشر محروم است ولی توجه محمدعلی به قشر محروم مثل توجه بعضی نویسنده‌ها به قشر محروم نیست. به این علت که تقریباً تمام راوی‌هایی که در قصه‌های محمدعلی وجود دارد حالا چه در داستان کوتاه چه در رمان، راوی‌های مرددی هستند، راوی‌هایی که خودشان هم در طول قصه، قصه کوتاه و رمان یک چیزهایی را تجربه می‌کنند و به نظرشان و به دنیایشان قطعیت نمی‌دهند.

سپس علی دهباشی، سردبیر بخارا، ضمن اشاره به آشنایی خود با محمدعلی در سال‌های دور گفت: یکی از جریان‌های جوان‌تر آن روزگار ماها بودیم و بیشتر به جنبه‌های ادبی اثر توجه داشتیم. ۳۰ سال پیش قرارداد چاپ کتاب از ما بهتران در ساختمانی روبروی انتشارات گویای کنونی در طبقه سوم بسته شد. جلسه‌ای که با حضور دکتر ساعدی، اسلام کاظمیه و شمس‌آل‌احمد تشکیل شد و در آن تصمیم گرفته شد که ده قصه و رمان و ده مجموعه شعر از شاعران معاصر منتشر شود. پیشنهاد دکتر ساعدی کتاب منوچهر صفا، پیشنهاد اسلام کاظمیه کتاب محمدعلی بود. این مجموعه با روی جلد واحدی که زنده‌یاد رضا مافی طراحی کرده بود و آرمی که مهندس شمعی کشیده بود با خط نستعلیق منتشر شد.

نکته دیگری که باید ذکر کنیم یکی مسئله اخلاق و سلوک ایشان است. امروزه در واقع پایبندی به اخلاق، مسئله کهنه‌ای است که اگرچه از آن یاد می‌شود اما اصلاً به آن توجه نمی‌شود و دوست ما عمیقاً و واقعاً به این موارد در عرصه مناسبات دوستی و روشنفکری و نویسندگی اش پایبند است. گواه آن احترامی است که عمیقاً به آراء و عقاید دیگران داشتند و دارند و این احترام از باب مصلحت نبوده و نیست. و برای همین ایشان دوستانی از طیف‌های گوناگون فکری و روشنفکری دارند. نمونه‌ای از فتوت و جوانمردی خوبان قدیم ما در ایشان بود و هست.

نکته دیگر در ارتباط با او این است که ایشان از ابتدای نوشتن توجه به سرچشمه‌های زبان فارسی داشتند و دارند. با هوش و ذکاوتی که دارند پی بردند که خواندن متون



● محمد حسینی - محمد محمدعلی و علی دهباشی (عکس از شهاب دهباشی)

۴۱۵



● محمد محمدعلی از خاطرات نویسندگی گفت (عکس از فرنوش صمیمی)

کلاسیک و آشنایی با اینها یکی از کلیدهای اصلی کار نوشتن است. یکی از معضلات اصلی کار نویسندگان معاصر و بخصوص در این سال‌های اخیر، نشر فارسی و درست‌نویسی است برای همین این همه عنوان داستان و رمان می‌آید و غالباً دوام پیدا نمی‌کنند. تسلط و غوطه خوردن در متون کلاسیک بخصوص بخش ادبیات داستانی باعث شده ایشان یک تجربیات خاص نثرنویسی در کارهای داستانی پیدا کنند که یک ویژگی مختص خودشان است و به سبب آن نیز یک جایگاه شایسته‌ای پیدا کرده‌اند. از طرفی ایشان همکار مطبوعاتی ما نیز محسوب می‌شوند که برمی‌گردد به سال‌های ۵۸-۵۹ که در آن زمان هنوز نشریات ادبی این‌گونه منتشر نمی‌شد. همچنین در پنج شماره از فصلنامه برج در تمامی مراحل در خدمت ایشان بودیم و بعد فصلنامه مس ویژه ادبیات هنر و بعد گفتگوهایی بود که تجربه دیگری از نویسندگی ایشان است و از گفتگوهایی است که پس از گذشت چندین سال هنوز اگر کسی بخواهد درباره جریان ادبی و روشنفکری معاصر تحقیق و پژوهش کند حتماً نیاز دارد آنها را ببیند. نکاتی که در آن گفتگوهاست روشنگر مسایل بسیاری در آن دوره و زمانه است.

در ادامه محمدعلی درباره این‌که چگونه محمد محمدعلی شد گفت: مثلاً در طالع مادر من این بود که صاحب فرزندی می‌شود که از راه قلم نان درمی‌آورد حال این قلم چیست و جریان این قلم چگونه، خدا می‌داند؟ خاطرات من به آنجا می‌رسد که در کلاس پنجم با خواندن شعری برای معلم خود (محمود سنایی، شهر آشوب) سرنوشت من کاملاً تغییر کرد و در کلاس هشتم که تازه قرار بود روز مادر در ایران رایج شود به ما گفتند تا چهار هفته مهلت دارید در مورد مادر بنویسید و من آنچنان داستان سوزناکی نوشتم که اشک همه را در آوردم و داستان من در سر کلاس، سر صف و منطقه خوانده شد و پس از ویرایش و کپی از آن از محافل مختلفی جایزه دریافت کردم و از آنجا بود که به من گفتند تو یک داستان‌نویس می‌شوی. در کلاس نهم، تمام آرزوهایم در والیبال و پینگ‌پنگ خلاصه می‌شد و عاشق ورزش بودم اما این کلاس را طوری پشت سر نهادم که کلاس دهم دیگر دست به توپ نزنم و شدم محمدعلی که مسیر طولانی را طی کرده تا رسیده به جایی که حالا می‌بینید.

اولین مجموعه داستان من با نام دره هند آباد گرگ داره بود و من برای انتشار آن به تمام انتشاراتی‌ها سر زده بودم و با مخالفت همه آنها مواجه شدم تا آنکه دوستان من مرا به کسی معرفی کردند و ناشر به جای خواندن متن، مقدمه‌ای بلند برای کتاب من نوشت و حاضر به چاپ آن نشد. سرانجام یک ناشر حاضر به چاپ کتاب شد و قرار شد سیصد

جلد حق التالیف بدهند. دوران بسیار بدی برای من بود و من این را گفتم برای جمع کثیری از جوانانی که در واقع اولین کتاب هایشان را می خوانند چاپ کنند و امیدوارم که به روز و حال من نیفتند که روزگار بسیار بدی بود. ولی بعدها به این فکر افتادم که اگر آن کتاب ابتر و ناقص را در نمی آوردم کارهای بعدی را نمی نوشتم. اگرچه این کار، کار زیاد خوبی نبود اما به عنوان یک شناسنامه برای من به ثبت رسید و در سال ۵۶ هر کجا رفتم شناسنامه من محسوب شد و باعث شد عضو کانون نویسندگان شوم. هر کسی که مثل من سنی از او گذشته تجارب گوناگونی از اولین کتاب دارد ولی اولین کتاب و تجربه من بسیار تلخ بود، به هر حال یک تجربه بود که باید پشت سر گذاشته می شد.

لادن نیکنما، داستان نویس و منتقد ادبی، با خاطره ای از محمدعلی آغاز کرد: من و جمعی از دوستان سال ها پیش با آقای دکتر جواد مجابی کلاس داستان نویسی، شعرخوانی و نقد ادبی داشتیم. وقتی آقای مجابی دیدند به اندازه کافی در نقد ادبی به یک مرحله رسیدیم از آقای محمدعلی دعوت کردند، در آن موقع (۱۳۷۶) ایشان کتاب باورهای خیس مرده را به چاپ رسانده بودند. هر کدام از ما دو سه بار کتاب را خوانده بودیم و یک جزوه بسیار ضخیم از نقاط ضعف و قوت آن تهیه کرده بودیم. هر کدام از ما نقد خودمان را کوبیده تر از نفر قبلی گفتیم و جای تعجب بود که آقای محمدعلی هر بار لبخند عمیق تری روی چهره شان می نشست. ولی برای من آن چیز که ماندگار شد قدرت تحمل آقای محمدعلی بود و وقتی همه حرف های ما تمام شد ایشان گفتند بضاعت من در همین حد بود، حالا که شما دارید شروع می کنید ببینم که چکار می کنید. اما به لحاظ فنی و ساختاری من مقاله ای مفصل در ویژه نامه اعتماد در بهمن ماه ۱۳۸۶ نوشتم که به صورت تخصصی به ساختار کتاب مشی و مشیانه پرداختم و چند ویژگی اصلی از نوشته های ایشان را بازگو کردم. آقای محمدعلی با عطف توجه به متون کهن سعی می کند که این ذخیره را به پیش مردم مخصوصاً جوان ترها ببرد؛ مردم، نه ما که در کار ادبیات هستیم و یا مدعی انجام آن هستیم. ایشان بر این باور است که باید این ادبیات زنده شود و بین مردم راه یابد اگر ما حافظه ی جمیع مردم را به واسطه ی این متون فرابخوانیم چیزی را از دست داده ایم؛ چیزی که ریشه ما در آن قرار دارد و از آن تغذیه می کند.

محمد علی سپانلو، شاعر معروف معاصر، در ادامه مراسم گفت: من محمدعلی را از خیلی قبل می شناختم. از زمانی که در کلاس های هوشنگ گلشیری به صورت مستمع آزاد دعوت می شدم که بیایم داستان بخوانم و چهره های جدید را ببینم. از همان موقع

هم محمدعلی مرد شفاهی نبود، مرد کتبی بود. به طور کلی نویسنده، واعظ خوبی نیست و در آن جلسات هم کارهای او مطرح بود. محمدعلی یکی از بهترین داستان‌نویسان معاصر است. داستانی از او که هم ارزش تاریخی دارد و هم ارزش معنوی، قصه‌ای نیست جز قصه‌ی «بازنشسته» در مجموعه بازنشستگی. محمدعلی در این داستان نشان می‌دهد مردها در شرایط سخت نه تنها اتوریته روانی را از دست می‌دهند بلکه اتوریته جسمی را نیز از دست خواهند داد. این داستان به نوعی بازگشت به خود است و روایت یک نوع بیگانگی حاصل از وضع اجتماعی که محمدعلی آن را به خوبی توصیف کرده است و ماندگاری او در تاریخ با این تحلیل‌ها نمی‌ماند، آنچه می‌ماند قصه بازنشستگی است و بس.

سپس محمد قاسم‌زاده، نویسنده، گفت: من محمدعلی را از سال‌ها قبل می‌شناسم و به نظر من چیزی که در داستان‌های محمدعلی وجود دارد رئالیسم در ادبیات داستانی اوست. محمدعلی نویسنده رئالیستی است و واقعیت این است که بزرگترین آثار ادبی دنیا جنبه رئالیستی دارد. ویژگی دیگر محمدعلی این است که او یک نویسنده ایرانی است با تمام مختصات آن و شاید به نظر عده‌ای او اصلاً جهانی نویسنده نیست؛ اما معتقد هستم که هر نویسنده بزرگی در وهله اول یک ملیت دارد و میهن او سکوی پرش اوست و تا اهل یک کشور نباشی و یک ملیت نداشته باشی نمی‌توانی پرش کنی چرا که ادبیات تو برخاسته از ذهن ملت توست. اگر برای یک نویسنده در کشور خودش شناسنامه‌ای صادر نکنند در هیچ جای جهان شناخته نمی‌شود و شناسنامه نخواهد داشت با این حساب محمد محمدعلی یک نویسنده واقعاً ایرانی است.

در پایان مراسم محمدعلی گفت: من از تمام برگزارکنندگان این مراسم تشکر می‌کنم و باید بگویم هر کدام از ما زاویه پنهانی داریم و هر کدام از ما دو زندگی داریم؛ یکی آن زندگی که در شعر، قصه، داستان، نمایشنامه، فیلمنامه است و مربوط به درون ماست که این شخصیت‌ها را چگونه و به چه نحوی در کنار یکدیگر بیاوریم و قسمت دوم زندگی خصوصی ما. بخشی که در اینجا به عنوان ادبیات شفاهی مطرح می‌شود همان ۳۳/۳ درصد از زندگی ماست که ما با آن طرف هستیم و همان خاطرات ماست و در بخش ۳۳/۳ درصد زندگی خصوصی ما، آدم‌هایی هستند که به آنها بُعد می‌دهیم که من محمدعلی این زندگی را پشت سر گذاشته و مسئله عین و ذهن را در کنار هم قرار می‌دهم و آنها را بوجود می‌آورم، این آثار است که مرا به عنوان یک نویسنده رئالیست معرفی می‌کند و البته من افتخار می‌کنم که یک نویسنده رئالیست بوده‌ام و هستم و

خواهم بود؛ رئالیست چیز بسیار خوبی است و افتخار می‌کنم که در این حوزه می‌نویسم. در این مراسم که در تاریخ پنج‌شنبه ۱۷ مردادماه ۸۷ در نشر ثالث برگزار شد علاوه بر علاقه‌مندان به ادبیات شفاهی و دانشجویان و هنرجویان رشته‌های هنری چهره‌هایی چون سیروس ابراهیم‌زاده، احمد ابومحجوب، اسدالله امرایی، محمود حسینی‌زاد، محمد علی سپانلو، ناهید طباطبایی، فرزانه قوجلو، محمود معتقدی، محمدرضا اعلامی، میترا الیاتی و... شرکت داشتند.

در پایان جلسه محمد علی سپانلو، شاعر نامدار کشور، لوح سپاسی از طرف نشر ثالث به محمد محمدعلی اهدا کرد. در این لوح سپاس امضای جمعی از صاحب‌نامان عرصه ادبیات داستانی کشور آمده است.

توجه! توجه!

نشانی جدید سایت مجله بخارا:

www.bukhara-magazine.com

منتشر شد:

هرمان هسه افسونگر

زاکلین و میشل سنس

ترجمه موگه رازانی

نشر کتاب نادر - تهران - صندوق پستی ۷۹۹ - ۱۹۵۸۵

تلفن ۲۲۰۰۷۵۵۵ شماره ۲۲۶۱۰۸۱۰